

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۹ دسمبر ۲۰۱۷

بی پیر مرو تو در خرابات هر چند سکندر زمانی

دوشنبه ۲۷ قوس ۱۳۹۶ - کابل: امروز طبق وعده قبلی دیدن دوستی رفتم که دستم را گرفته و با پورتال عزیزم آشنا ساخته بود، از آن جایی که ظرف این چند روز تعریف و تمجید زیادی از دوستان دور و نزدیک شنیده و خوانده بودم، دلم خوش بود که استاد هم دست نوازش بر سر و رویم کشیده، با تعریف های واقعبانه اش دلم را شاد خواهد نمود.

وقتی نزد ایشان رسیدم، خلاف همیشه که برخوردشان نوازشگرانه بود، اینبار برخوردشان بسیار جدی بود. آنقدر جدی که ناگزیر از ایشان استفسار نمودم. ایشان هم که در صداقت شان هیچ شک ندارم با همان لحن جدی گفت:

"عمر جان، تا دیروز تو برایم فردی بودی که دنبال دیگران به راه می افتادی و از نوشته های دیگران ستایش می نمودی، مگر اینک با آغاز و تداوم کارت در پورتال، تو خود به حیث خط ده تبارز نموده ای لذا از من انتظار نداشته باش تا با نوازش، در واقع تو را لایق نقد ندانم، تو می باید بعد از این از من و امثال من، انتظار برخورد و نقد صادقانه و رقیفانه را داشته باشی."

به دوام این بحث چون متوجه شد که می خواهم راجع به مقالاتم نظرش را بدانم، با همان جدیت گفت:

"عمر جان، تو و امثال تو در دیدن درخت بسیار مهارت دارید، آنچنان مهارت دارید که می توانید خصوصیت هر برگ را بیان دارید، مگر با تأسف آنقدر بادقت به درخت مشغول هستید، که فراموش می نمائید در عقب، جلو و ماحول آن درخت جنگلی هم وجود دارد و نباید به هیچ وجه آن را از نظر دور داشت."

چون از طرز نگاهم متوجه شد که نتوانستم رابطه بین جنگل و درخت را با کارهای خودم درست درک نمایم، لحن جدی اش را اندکی تغییر داده، گفت:

"خانه پرپلو، از چه وقت تا حال نوکران و مزدوران و یا ابزار اجرائی مسؤولیت پاسخدهی داشته اند؟" و دوام داد:
"ببین جانم، تمام نوشته هایت به ارتباط، "غنی، عبدالله، اتمر، دوستم، عطاء، محقق" و به گفته خودت "باند ارگ" و دیگر میهنفروشان درست، نکته ای که در اینجا از قلمت افتاده و یا کم بدان توجه شده، این است که تمام اینها یعنی تمام حکمداران و خادمان دولت دست نشانده به اصطلاح "از که تا مه" در مقایسه با امپریالیزم امریکا و شرکای آن در اشغال افغانستان، همان مناسبت درخت و جنگل را دارند، خودت در جریان این مدت کوتاه در معرفی درخت موفق بوده

ای، اگر می خواهی نوشته هایت عاری از خطا باشد، بکوش تا من بعد آنها را در پیوند با جنگل یعنی قوای اشغالگر ارزیابی بداری."

"هیچ می دانی دوست عزیز بسیار در مورد "باند ارگ" صحبت نمودن، می تواند چندان تداعی نماید که گویا آنها مستقل اند و به اراده خود چپ و راست شمشیر می زنند. در حالی که چنین نیست آنها همه مأمور و معذور اند. همین "غنی" خریست که از جانب امپریالیزم وظیفه دارد تا در نقش شیر غر بزند. در نتیجه این "غنی" و یا "عبدالله" و یا سایر توله سگان امپریالیزم نیست که غر زده صدا بلند می کنند، بلکه این امپریالیزم است که صدایش را از حنجره های اجاره ئی آنها بیرون می کشد."

صحبت های استاد در زمینه های دیگر نیز دوام کرد، مگر من تلاش می نمودم تا نقد سازنده اش را با تمام قدرت جذب نموده، رهنمای کار آینده ام بسازم. این که موفق خواهم شد و یا نه؟

دیده شود چه می شود!!